

تالار تخت در کاخ‌های آشور نو

میشم لباف خانیکی*

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه تهران

چکیده

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های کاخ‌های آشور نو، بهره‌گیری از پلانی مشابه در جایگیری فضاها با کاربری مشخص است. این تشابه به حدی است که در نگاه نخست به پلان یک کاخ، می‌توان به سادگی موقعیت فضاهای تعریف شده‌ای چون صحن بیرونی، صحن اندرونی، فضاهای مسکونی و خدماتی و نیز تالار تخت را تشخیص داد. تالار تخت یا شاه‌نشین کاخ‌های آشور نو، مهم‌ترین فضای یک مجموعه سلطنتی محسوب می‌شده است. بدون شک مهم‌ترین فضا، از بیشترین تزئینات و امکانات بهره‌می‌برده و مناسب‌ترین موقعیت ممکن را در یک مجموعه مسکونی به خود اختصاص می‌داده است. علاوه بر این کیفیت دسترسی به این فضا، ابعاد آن و فضاهای مجاور باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که با شأن پادشاهی که در آن جلوس می‌کرد؛ تناسب می‌داشت. عوامل گفته شده شواهدی است که در این مقاله مورد کنکاشی باستان‌شناسانه قرار خواهند گرفت.

واژگان کلیدی: آشور نو، تالار تخت، تحلیل فضایی، سلسله مراتب فضایی، فرم، کارکرد، بین‌النهرین.

درآمد

در راستای بازسازی بناها محدود شده است. از این رو به تحلیل فضایی کاخ‌های آشور نو کمتر توجه شده است. تحلیل فضایی یک بنا علاوه بر آنکه به تبیین الگوهای رایج در طراحی فضاهای معماری می‌پردازد؛ با تکیه بر کاربرد هر فضا، علل وجودی و وجوبی آن فضا و عناصر معماری تشکیل دهنده آن را توجیه علمی می‌نماید. شناسایی فضاهای با کاربرد مشابه در سازه‌های مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر امکان تبیین یک الگوی واحد را فراهم می‌آورد. در ترسیم این الگو، عناصر شاکله فضای مورد مطالعه در سازه‌های مختلف مورد مقایسه قرار

مطالعاتی که در ارتباط با کاخ‌های بین‌النهرین صورت گرفته عمدتاً بر توصیف یافته‌ها و تزئینات معماری با تأکید بر شرح صحنه‌های نقوش برجسته تمرکز داشته است (Barnett, 1960 & 1975; Barnett & Falkner, 1962; Reade & Curtis 1995; Reade, 1999). تعدد و تنوع نقوش برجسته کاخ‌های آشور نو و روایت وقایع تاریخی در قالب آثار هنری غالباً توجه به معماری این کاخ‌ها را تحت الشعاع قرار داده و مطالعات باستان‌شناختی درباره معماری کاخ‌های آشور نو به تلاش‌هایی

آشور نو نیز مستثنی از این قاعده نبوده و در طراحی سازمان فضایی این کاخ‌ها از الگویی کمابیش مشابه استفاده شده است. مقاله حاضر بر اساس پلان، فرم و بافت معماری کاخ‌های آشور نو به تحلیل فضایی مهمترین فضا در مجموعه کاخ‌های آشور نو یعنی تالار تخت می‌پردازد. به این منظور تالار تخت ۱۰ بنای سلطنتی مورد مذاقه قرار گرفته است. در این مقاله پس از توصیف مشخصات هر یک از تالارهای تخت، شامل موقعیت مکانی، مجاورت فضایی، میزان نفوذپذیری، تزئینات وابسته به معماری و نحوه دسترسی، به تبیین الگوی رایج طراحی تالارهای تخت کاخ‌های آشور نو پرداخته خواهد شد. هدف اصلی این مقاله شناسایی همه جانبه تالار تخت در کاخ‌های آشور نو و بررسی تناسب فرم معماری و کارکرد این فضا با تکیه بر عناصر معماری می‌باشد.

۱) کاخ حصار شهر

طی کاوش‌هایی که ماکس ملوان در سال ۱۹۵۶ در نمرود انجام داد در حدود ۴۰۰ متری شرق معبد نبو و در نقطه مرتفعی و در کنار استحکامات جنوبی سازه‌ای شناسایی شد که با عنوان کاخ حصار شهر نامگذاری گردید (Mallowan, 1957: 21). اگرچه کتیبه‌ای مبنی بر مالکیت این ساختمان بدست نیامد اما نوع معماری بکار رفته حاکی از سکونت یکی از صاحب منصبان (شاید فرمانده نظامی) یا خود پادشاه در کاخ حصار شهر می‌باشد. پلان این بنا نشان‌دهنده دو بخش مجزای شمالی و جنوبی است.

تالار پذیرایی بزرگ یا تالار تخت کاخ حصار شهر در شمال مجموعه واقع شده و بواسطه یک ورودی اصلی در شمال کاخ قابل دسترس بوده است. جایگیری فضاهای ۱۰ و ۱۱ و فضاهای مجاور شمالی آنها از الگوی رایج در سازمان فضایی مجموعه اتاق‌های پذیرایی کاخ‌های آشور نو پیروی می‌کند (پلان ۱).

این فضاها برای پذیرایی‌های عمومی که از جانب یک مقام سیاسی یا خود پادشاه ترتیب داده می‌شد، مورد استفاده قرار می‌گرفت. زمانی که این کاخ در سال‌های پایانی قرن ۷ ق. م. ساخته شد، احتمالاً هیچ کاخ دیگری در اکروپلیس کلخو برای

گرفته و ارتباط میان متغیرها به مثابه الگوی طراحی تبیین می‌شود. جایگاه هر فضا در بافت معماری یک سازه، ابعاد، فضاهای مجاور، میزان نفوذپذیری، نحوه دسترسی، ارتفاع دیوارها و کف، میزان نورگیری، نوع مصالح بکار رفته در ساختار فضا و کمیت و کیفیت تزئینات، شاخصه‌هایی برای تحلیل کاربری فضا به شمار می‌روند. بواسطه تحلیل این عوامل می‌توان نتایج استنباط کرد که هیچ‌گاه بواسطه مطالعات تاریخی صرف حاصل نمی‌شود چرا که اطلاعات تاریخی مندرج در متون و کتیبه‌ها عموماً به وقایع عمده‌ای همچون جنگ و تاجگذاری می‌پردازند و در آنها نشانی از شرح وقایع روزمره، کیفیت رفتارهای اجتماعی و نحوه برگزاری مراسم آئینی و سیاسی دیده نمی‌شود. این در حالیست که فضای معماری به مثابه بستر رویداد رفتارهای بشر می‌تواند روایتگر ناگفته‌های تاریخ باشد. همانگونه که نیاز، اساسی‌ترین عامل تأثیر گذار بر فرم یک فضای معماری محسوب می‌شود (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶: ۱۳۷)، فضا نیز می‌تواند عاملی تعیین کننده در شکل‌گیری رفتارها تلقی گردد. عناصر شکل دهنده یک فضای معماری بازتاب رفتارهای جاری در آن فضا هستند (Lampugnani, 1986: 112-113) و بواسطه مطالعه و تحلیل هر یک از عناصر معماری می‌توان به بازسازی جنبه‌ای از رفتارهای جاری در فضا پی برد.

مهمترین فضای معماری یک بافت شهری، کاخ است. از نگاهی کلان، در سلسله مراتب فضایی، کاخ‌ها در بالاترین جایگاه اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند. از اینرو موقعیت اغلب کاخ‌ها در مناسب‌ترین و مرتفع‌ترین نقطه شهرها انتخاب می‌شد. کاخ‌ها تنها محل سکونت پادشاه نبودند بلکه مرکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی و بالتبع مقر تشکیلات حکومتی به شمار می‌رفتند. از اینرو در کاخ‌ها، علاوه بر فضاهای مجلل برای سکونت پادشاه، تالارها و اتاق‌های متعددی برای اقامت کارمندان و خدمتگزاران نیز در نظر گرفته می‌شد. با این تعبیر، کاخ‌ها مجموعه‌های مسکونی بودند که از فضاهای متعدد با فرم و کاربری گوناگون تشکیل می‌یافتند. محل جایگیری، ابعاد و شکل ظاهری هر اتاق بر اساس کاربرد آن فضا و در تناسب با جایگاه اجتماعی و سیاسی ساکنانش طراحی می‌شد. کاخ‌های

پادشاه را نشان می‌دهند و از سوی دیگر، نیروی مافوق طبیعی او را به نمایش می‌گذارند که از جانب نیروهای جادویی به وی تفویض شده است (مجیدزاده ۱۳۸۰: ۲۰۷). سارگن علاوه بر آنکه همانند نقوش کاخ شمال غربی ایستاده در کنار درخت زندگی تحت حفاظت موجودات اساطیری- الهی بالدار ظاهر می‌شود (Strommenger & Hirmer, 1964: Pl. 224)؛ او را همچنین به صورت فاتحی می‌بینیم که در لباس فرماندهان نظامی یا شکارچیان بر شیاطین، دشمنان و یا جانوران درنده غلبه کرده است (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۲۰۸-۲۰۷). تالار تخت به یک اتاق راستگوشه دیگر ارتباط می‌یافت. اتاق مذکور به عنوان هشتی ارتباطی میان تالار تخت و حیاط اندرونی یا بیتانو عمل می‌کرد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

ساختمان‌های مسکونی اطراف میدان دژ شاهی در خورس آباد

ساختمان‌های مسکونی اطراف میدان (J-M) دارای نقشه‌ای کاملاً مشابه با کاخ سارگن هستند. در همه آنها تالار تخت و تالار کوچکتری که به موازات تالار تخت ساخته شده به عنوان مفصل ارتباطی بابانو و بیتانو عمل می‌کند. در یک انتهای تالار بزرگ دری بود که به راه پله گشوده می‌شد.

۳) ساختمان J

این ساختمان کوچکترین و دوراز دسترس‌ترین ساختمان در مجموعه بناهای ارگ سلطنتی خورس آباد به شمار می‌رود. ساختمان J با قرارگیری در پشت معبد نبو و ساختمان K و احاطه شدن توسط حصار ارگ، از منظر پنهان است. پلان این ساختمان، در مقیاسی کوچکتر، از همان ترتیب پلان ساختمان K پیروی می‌کند (پلان ۳).

حیاط بیرونی، تالار پذیرایی و صحن مرکزی در موقعیتی مشابه دیگر ساختمان‌های مسکونی ارگ واقع شده‌اند. با توجه به یافته‌های باستان‌شناختی کم از این ساختمان تنها می‌توان حدس زد که این بنا سکونتگاه اشخاصی را تشکیل می‌داده که جایگاه دولتی آنها اجازه سکونت در محدوده ارگ سلطنتی را ایجاد می‌کرده است. در عین حال، اندازه کوچک و عدم

اسکان پادشاه وجود نداشته و پادشاهی که از تختگاهش در نینوا به بازدید کلخو می‌آمده، در این کاخ استقرار می‌یافته است (Mallowan, 1957: 21-22). اگرچه بخش اعظمی از تالار تخت حفاری نشده، اما از فضاهای مجاور تالار تخت قطعات اندود گچ دارای نقاشی پیدا شده است (Mallowan, 1957: 23). احتمالاً نظیر چنین نقاشی‌هایی دیوارهای تالار تخت را نیز تزئین می‌کرده است. در این نقاشی‌ها همانند دیگر نقاشی‌های آشوری از رنگ‌های سیاه، قرمز، سفید و آبی کبود استفاده شده بود. نقوش هندسی شامل ردیفی از دایره‌های متداخل در حاشیه‌ای از خطوط موازی است. ملوان به استناد نام آشور بانی پال بر روی پیکره پرنده‌ای که از یکی از فضاهای کاخ حصار شهر پیدا شد، این کاخ را متعلق به دوره آشور بانی پال (۶۳۱-۶۶۸ ق. م.) معرفی کرده است (Mallowan, 1957: 24).

۲) کاخ سارگن دوم در دور شروکین

سارگن دوم، پادشاه مقتدر آشوری، که از سال ۷۰۵ تا ۷۲۲ پیش از میلاد امپراتوری آشور را به اوج قدرت و عظمت خویش رسانید پس از گذران چند سال در نمرود پایتخت جدیدی به نام دورشروکین احداث کرد. بنای پایتخت جدید سارگن در فاصله سال‌های ۷۱۳ و ۷۰۷ ق. م. انجام پذیرفت. شهر دور شروکین مساحتی برابر ۱۶۵۰×۱۷۵۰ متر را در بر می‌گرفت (Loud & Altman, 1938: Pl. 69).

در ضلع شمال غربی شهر بر فراز سکویی طبیعی، کاخ سارگن همراه با معابد شش‌گانه، زیگورات، و در نزدیکی آنها بناهای عمومی و اداری قرار داشت که اطراف آنها را حصار می‌گرفت (Loud & Altman, 1938: Pl. 70). نقشه کاخ سارگن شباهت زیادی با کاخ شمال غربی آشور نصیر پال دوم و دژ شلمانصر در شهر نمرود نشان می‌دهد (پلان ۲).

بابانو یا حیاط بیرونی کاخ با ورودی که لاماسوهای سنگی از آن محافظت می‌کردند به تالار تخت راه می‌یابد. تالار تخت با ابعاد ۴۵×۱۰ با نقوش برجسته و نقاشی‌های دیواری نظیر تالار کاخ شمال غربی در نمرود تزئین می‌یافت. موضوع بیشتر صحنه‌ها تقریباً تکرار موضوعات مشابه قرن نهم در زمان آشور نصیر پال دوم است. این نقش‌ها، از یک سو جلال و شکوه

می‌کند. این اتاق به نظر لود و آلتمن فضای خصوصی شاه نشین بوده است (Loud & Altman, 1938: 66). در پشت این فضا، راه پله‌ای تعبیه شده که ارتباط با طبقه بالا را میسر می‌ساخته است. در مجاورت گوشه جنوبی تالار تخت دری کم عرض قرار دارد که به فضایی که به عنوان حمام معرفی شده است راه می‌یابد (Turner, 1970: 190). فضاهای توصیف شده که در کنار هم مجموعه سلطنتی را تشکیل می‌داده، احتمالاً تنها برای اعضای خانواده و مهمانان مورد استفاده قرار می‌گرفته و دیگر افراد برای دسترسی به صحن اندرونی ناچار بوده اند از کریدور باریک جنوب تالار تخت عبور کنند (Loud & Altman, 1938: 66).

۵) ساختمان M

این ساختمان از سه طرف با حصار شهر، دیوار ارگ و دیواره صفا‌ای که معبد نبو بر روی آن قرار گرفته محصور شده است. آنچه ساختمان M را از دیگر ساختمان‌های محوطه ارگ شاهی خورس آباد متمایز می‌سازد، جهت گیری متفاوت مجموعه فضاها و در نتیجه پلان نامنظم آن است (پلان ۵).

حیاط بیرونی، مجموعه فضاهای پذیرایی و صحن اندرونی در اینجا هم محور اصلی بنا را تشکیل می‌دهند. مجموعه فضاهای سلطنتی، تزئین یا ویژگی خاص معماری را نشان نمی‌دهند. از ورودی‌های سه گانه تالار تخت بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت کتیبه‌ای پیدا نشد (Loud & Altman, 1938: 72).

۶) ساختمان L

ساختمان L در میان دیگر ساختمان‌های اشرافی دور شروکین از بیشترین وسعت برخوردار است. این ساختمان تنها ساختمانی است که هویت ساکنانش مشخص بوده و از بهترین موقعیت در مجموعه سلطنتی ارگ بهره می‌برد. ساختمان L در برابر میدان و در مقابل کاخ شاهی قرار گرفته و رمپ اصلی که به تراس کاخ منتهی می‌شود در نزدیکی آن واقع شده است (Loud & Altman, 1938: 69. Pl. 70). بر اساس کتیبه‌ای که از دروازه اصلی ساختمان L کشف شد؛ مشخص گردید این کاخ به سیناهوسور (Sinahusur) برادر و وزیر سارگن تعلق داشته است

دسترسی مناسب به این بنا نشان دهنده شأن اجتماعی پایینتر ساکنانش نسبت به دیگر ارگ نشینان می‌باشد (Loud & Altman, 1938: 65).

۴) ساختمان K

یکی از مهمترین ساختمان‌های مسکونی ارگ، ساختمان K است. این ساختمان در مجاورت میدانی ساخته شده است که رو به کاخ شاهی دارد. عدم وجود کتیبه در این ساختمان همانند ساختمان J اظهار نظر قطعی در مورد هویت ساکنانش را مشکل می‌سازد. با این وجود به استناد موقعیت مناسب این بنا، وسعت آن و فراوانی تزئیناتش می‌توان گفت که ساکنان ساختمان K از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بوده اند (Loud & Altman, 1938: 65).

در ساختمان K نیز حد فاصل دو حیاط بیرونی و اندرونی را مجموعه فضاهای سلطنتی تشکیل می‌دهد (پلان ۴). نمای مهمترین و بزرگترین فضای این مجموعه (فضای شماره ۱۲) ضلع جنوب غربی صحن بیرونی را فرا گرفته است. تزئینات نما و ورودی تالار تخت ساختمان K یکی از زیباترین حجاری‌های شهر دور شروکین به شمار می‌آید. ورودی‌های سه گانه این تالار با نقش برجسته‌هایی شامل نقوش گیاهی و هندسی تزئین شده (Loud & Altman, 1938: 66, Pl. 30 D- F) و دیوارهای تالار دارای نقاشی دیواری بوده است (Strommenger, 1964: Fig. 57). این نقاشی دیواری نمایش دهنده سه ردیف موجودات بالدار الهی - اساطیری و نرگاوه‌های رودرو می‌باشد. بر بالای این صحنه و در یک فرورفتگی طاقچه مانند نقش خدایی وجود دارد که بر بالای سکویی ایستاده و پادشاه و وزیر او را به حضور می‌پذیرد (Loud & Altman, 1938; Parrot, 1961; Frankfort, 1954: fig. 37). قطعاتی از اشیای تزئینی از جنس عاج که در محدوده ساختمان K کشف گردید، بیانگر موقعیت اجتماعی بالای ساکنان این کاخ است.

کف این تالار به شدت آسیب دیده و مصالح ساختمانی آن در طول زمان به تاراج رفته است. در شمال غرب تالار، اتاقی کوچک واقع شده که با دری نسبتاً عریض با تالار ارتباط پیدا

است (Loud & Altman, 1938: 75). تالار تخت و فضاهای مجاور آن در کاخ F کاملاً مشابه مجموعه فضاهای سلطنتی کاخ سارگن است. تالار تخت کاخ F بزرگترین فضای این کاخ محسوب شده و به صحن مرکزی بنا راه می‌یابد. اهمیت این فضا بواسطه استفاده از عناصر معماری شاخص در ورودی و مرکزیت فضایی تالار در ترکیب فضایی کاخ نمود یافته است. ورودی مرکزی این تالار با دو جرز عظیم در بر گرفته می‌شد که بر هر جرز دو پیکره گاو بالدار از سنگ مرمر نقش بسته بود. این دو نقش برجسته تنها حجاری‌های شناخته شده در این کاخ هستند که به شدت آسیب دیده اند.

فضای تالار تخت بواسطه سکوی سنگی که در بخشی از آن نقوشی حجاری شده براحتی قابل شناسایی است. یک فرورفتگی کم عمق در پشت این سکو بر روی دیوار ایجاد شده که احتمالاً محل قرار گیری سنگی افراشته در پشت تخت بوده است. در روبروی سکوی سنگی، اتاق شاه نشین و در پشت این اتاق، راه پله قرار دارد. در اتاق ۲۵ که احتمالاً محل برگزاری فعالیت‌های آیینی بوده، طاقچه‌ای تعبیه شده و ورودی آن در انتها دارای پس رفتگی است (Loud & Altman, 1938: 76). اتاق ۲۴ در کاخ F بجای آنکه همچون فضای مشابهش در کاخ سارگن به صحن مرکزی راه یابد به تراس بیرونی ارتباط پیدا می‌کند. کف سنگ آهکی این فضا از معدود کف‌های حفظ شده تا امروز است (Loud & Altman, 1938: 77).

تالار تخت کاخ F خورس آباد (اتاق ۲۳) با ورودی‌های سه گانه‌ای با صحن بیرونی (شماره ۲۶) ارتباط می‌یافت (پلان ۷). این تالار در ضلع جنوب شرقی دارای سکوی سنگی است که در یک فرورفتگی کم عمق تعبیه شده است. دیواره سکوی شاهی در تالار تخت سارگن با صحنه‌های جنگ تزئین شده بود. در ضلع شمال غربی تالار تخت، یک ورودی نسبتاً عریض به اتاق ۲۲ و پس از آن به راه پله منتهی می‌شود. در جنوب غرب تالار تخت، دو اتاق تعبیه شده است. اتاق ۲۵ فضای کوچکی است که در مجاورت ضلع چپ سکوی سنگی قرار گرفته و در ضلع جنوب شرقی خود دارای یک طاقچه کم عمق است. احتمالاً این فضا در اصل به عنوان حمام مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اتاق شماره ۲۴ تالار تخت را به تراس اتصال

(Loud & Altman, 1938: 69). منصب وزارت سیناهوسور ایجاب می‌کرد تا خدم وحشم زیادی برای اداره امور دولتی در اختیار وی باشند. از اینرو کاخ وی به فضاهای بیشتری نیاز داشت. در عین حال کارمندان در فضاهایی مجزا از بخش خصوصی کاخ سکونت داشته اند. شاید بتوان فضاهای مربوط به ایشان را نظیر همان اتاق‌هایی دانست که در کاخ سارگن در حد فاصل صحن اندرونی شمال غرب کاخ و صحن بزرگ جنوب شرقی قرار گرفته اند (Loud & Altman, 1938: 69). نمای ساختمان L مشابه دیگر ساختمان‌های سلطنتی با دیواری به رنگ سفید و فاقد هرگونه تزئیناتی ساخته شده است. عرض زیاد دیوارها نشانه‌ای است از سقف مرتفع این ساختمان.

صحن بیرونی ساختمان L و فضاهای پیرامون آن مشابه ساختمان K می‌باشد. دیوار بیرونی اتاق راه پله همانند آنچه در ساختمان K شاهد بودیم از نمای تالار تخت جلو آمده است (پلان ۶). راستای دهلیزها و اتاق‌های کوچک به موازات راستای تالار تخت طراحی شده است. پلان مجموعه فضاهای سلطنتی از همان الگوی رایج پیروی می‌کند. دیوارهای این مجموعه با نقاشی‌هایی تزئین می‌شد که قطعات زیادی از آن نقاشی‌ها از میان آوار فروریخته کشف گردید. اتاق کوچکی که در جنوب تالار بزرگ قرار دارد از طریق ورودی مجللی، قابل دسترس بود. این اتاق را راهرویی که با سنگ مرمر سفید پوشش داده شده بود به فضای راه پله مرتبط می‌ساخت (Loud & Altman, 1938: 70).

۷) کاخ F خورس آباد

این کاخ در گوشه جنوبی شهر خورس آباد قرار دارد و احتمالاً به سناخریب، ولیعهد امپراتوری تعلق داشته است. از طرف دیگر به دلیل شباهت این بنا با اکل مشرتی شلمانصر سوم در نمرود، این احتمال نیز وجود دارد که ساختمان F اسلحه خانه شاهی و مرکز نظامی امپراتوری را تشکیل می‌داده است. به احتمال قریب به یقین سارگن در ساختن کاخ خویش و بویژه کاخ F از نقشه دژ شلمانصر تقلید زیادی کرده بود.

در کاخ F دیوارها همانند ساختمان‌های J-M اندود شده اند و از هیچ گونه نقش برجسته‌ای برای تزئین دیوارها استفاده نشده

می‌دهد.

کاخ ارسلان تاش بر فراز تپه‌ای مرتفع و در بخش شمالی شهر بنا شده است (Thureau-Dangin *et al.*, 1931: Contour plan at back). پلان این کاخ از الگوی رایج در طراحی پلان دیگر کاخ‌های آشور نو پیروی می‌کند (Thureau-Dangin *et al.*, 1931: Main Plan). در این کاخ نیز دو صحن وجود دارد که بواسطه مجموعه فضاهای پذیرایی با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. ورودی اصلی به صحن بیرونی راه می‌یابد و سه ضلع دیگر صحن توسط اتاق‌هایی اشغال شده است. این اتاق‌ها احتمالاً بخش‌های خدماتی، اداری و انبارهای مجموعه کاخ را تشکیل می‌دهند. در جانب شرقی صحن، بزرگترین فضای کاخ که به عنوان تالار پذیرایی یا تالار تخت شناخته می‌شود قرار گرفته و توسط یک ورودی با حیاط بیرونی ارتباط می‌یابد. تالار تخت بواسطه یک فضای کوچکتر با صحن اندرونی ارتباط می‌یابد. در شمال صحن نیز اتاق‌های مسکونی بر اساس پلان استاندارد کاخ‌های آشور نو واقع شده است (پلان ۹). دیوار این اتاق‌ها و نیز تالارهای پذیرایی با نقاشی دیواری زینت می‌یافت (Turner, 1968: 62-63).

شواهد کمی برای تاریخ گذاری کاخ ارسلان تاش یافت شده است. تورو دانژن این کاخ را به تیگلات پیلسر سوم (۷۲۷-۷۴۵ ق.م.) نسبت می‌دهد (Thureau-Dangin *et al.*, 1931: 40) و پارو با قابل مقایسه دانستن تالار تخت این کاخ با تالار تخت کاخ خورس آباد، کاخ ارسلان تاش را به دوره سارگن دوم (۷۰۵-۷۲۱ ق.م.) منسوب می‌کند (Parrot, 1946: 467-468).

در شمال تالار تخت کاخ ارسلان تاش فضای کوچکی قرار گرفته که از یک طرف با تالار تخت و از طرف دیگر با راه پله‌ای ارتباط می‌یابد که به طبقه بالا منتهی می‌شده است. این فضای کوچک به عنوان کفش کن معرفی شده است (Turner, 1970: 189). در جنوب شرق تالار تخت کاخ ارسلان تاش یک حمام تعبیه شده بود. این حمام از یک طرف بواسطه یک هشتی کوچک با تالار تخت و از طرف دیگر مستقیماً با فضای رابط تالار تخت و صحن اندرونی ارتباط می‌یافت (Turner, 1970: 190). این ویژگی در هیچیک از کاخ‌های خورس آباد و نینوا مشاهده نمی‌شود. در تالار تخت کاخ ارسلان تاش

۸) ساختمان Z خورس آباد

این ساختمان در حدود ۱۵۰ متری خارج دیوار جنوب شرقی دژ قرار گرفته است. این ساختمان دارای شباهت زیادی با ساختمان‌های درون محوطه ارگ شاهی به خصوص ساختمان J می‌باشد. ضخامت دیوارها و اندازه اتاق‌ها در ساختمان Z مشابهت زیادی با ساختمان‌های J و K دارد. شمار فضاهای خدماتی و اداری ساختمان Z بر خلاف ساختمان‌های ارگ، از فضاهای مسکونی خصوصی بیشتر بوده و به نظر می‌رسد این ساختمان به افرادی با جایگاه اجتماعی فروتر از ساکنان بناهای ارگ شاهی تعلق داشته است.

موقعیت صحن بیرونی ساختمان Z از همان الگوی بکار رفته در دیگر کاخ‌های آشور نو پیروی می‌کند. در بخش شاه نشین ساختمان Z نیز سه فضای اصلی تالار بزرگ (۱۲)، شاه نشین (۱۱) و راه پله (۱۰) مشاهده می‌شود (پلان ۸). به نظر می‌رسد طاقچه‌ای که در تالار بزرگ تعبیه شده و تا کف ادامه پیدا می‌کند عنصری برای برقراری تعادل و تقارن با ورودی تالار بوده است. اتاق ۱۳ نیز طبق الگوی مرسوم، فضای ارتباط دهنده تالار بزرگ و صحن اندرونی را تشکیل می‌دهد. (Loud & Altman, 1938: 78).

۹) کاخ محلی خداتو (ارسلان تاش)

ارسلان تاش، شهری است در شمال سوریه در فاصله حدود ۱۶۰ کیلومتری شمال شرق شهر حلب در نزدیکی مرز امروزی ترکیه (Dijk, 1992: 65) و در حدود ۳۲ کیلومتری شهر باستانی کارکمیش واقع شده است. کاوش‌های علمی در ارسلان تاش در سال ۱۹۲۸ توسط هیئتی فرانسوی به سرپرستی تورو دانژن انجام پذیرفت. در نتیجه این کاوش‌ها استحکامات دفاعی شهر و چهار ساختمان شناسایی گردید. یک معبد هلنیستیک، یک معبد قدیمی تر مربوط به الهه ایشتار، بنای معروف به ساختمان عاج و یک کاخ آشورنو، مجموعه ساختمان‌های مکشوفه از محوطه ارسلان تاش را تشکیل می‌دهند (Thureau-Dangin *et al.*, 1931).

ضحامت دیوارهای دژ در بیشترین حالت از ۴/۴ متر فراتر نمی‌رود. حفاری‌های ملوان در تالار تخت تنها در بخش شرقی تالار تا کف ادامه داده شد. وی توانست بر روی کف دو تیر چوبی به قطر ۴۵ سانتیمتر شناسایی کند که احتمالاً مربوط به سقف تالار بوده است. این تیرهای چوبی با گچ اندود شده بودند. ملوان هیچگونه تزئینات دیگر مربوط به سقف که بر روی کف سقوط کرده باشد را نیافت. بر روی کف اندود شده تالار و در جلوی سکوی سنگی شاه نشین دو حفره دایره‌ای شکل وجود دارد که دهانه آنها با قطعات سنگ و آجر سنگ‌چین شده اند. به احتمال زیاد تیرهای چوبی که درون این حفره‌ها قرار می‌گرفت، سنگینی سقف را تحمل می‌کرده است. بخش اعظم سطح سکوی سنگی با نقوش گیاهی تزئین شده که در اصل با رنگ سفید رنگ آمیزی شده بود. اما بر دو ضلع جانبی سکو و دورتادور حاشیه بیرونی سکو کتیبه طولانی مربوط به شلمانصر سوم نگاشته شده است. این کتیبه به شرح گزیده وقایع ۱۳ سال نخست دوران حکمرانی شلمانصر سوم می‌پردازد (Hulin, 1963). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که ساخت سکو اندکی پس از سال ۸۴۵-۸۴۶ ق. م. به اتمام رسیده باشد (Oates, 1963: 10).

نقش برجسته‌های اکل مشرتی به نقوشی که بر روی بدنه سکوی سنگی در انتهای تالار تخت نقر شده، محدود می‌شود. بر دیواره این سکو سه رویداد مهم از لشکرکشی‌های شلمانصر سوم تصویر شده است. در یکی از این صحنه‌ها شلمانصر سوم در لباس رسمی خود در مقام پادشاه آشور با مردوک-زکیر-شومی پادشاه بابل ملاقات می‌کند. آنها در یک سند استثنایی، به شیوه امروزی، در تأیید معاهده دوستی که با همدیگر بسته اند، دست یکدیگر را می‌فشارند. سرتاسر دیواره سکوی تخت با صحنه‌هایی از نمایش قدرت سیاسی و نظامی شلمانصر در خاورمیانه تزئین شده است (Oates, 1962b: 880-881; 1963: 16-19, Pls. 4-7). دو فقره از این صحنه‌ها مربوط به پرداخت باج و خراج است که در هنر آشور موضوع بسیار متداولی بود و شلمانصر آن را اغلب در تزئین دروازه مفرغی بالاوات به کار بسته است (مجیدزاده، ۱۳۸۰). موضوع نقوش تالار تخت اکل مشرتی از شخصیت نظامی شلمانصر تأثیر

سکوی سنگی شاه نشین در سمت راست ورودی تعبیه شده است. این در حالیست که در دیگر کاخ‌های آشور نو سکوی سنگی در سمت چپ ورودی قرار داده می‌شد (Turner, 1968: n. 28). ویژگی‌های منحصر بفرد کاخ ارسلان تاش این احتمال را مطرح می‌سازد که کاخ ارسلان تاش در زمانی قبل از احداث کاخ خورس آباد ساخته شده و شاید زمان احداث آن به اوایل دوره حکمرانی سارگن یا حتی به زمان یکی از پیشینیان وی تیگلات پیلسر سوم یا شلمانصر پنجم باز گردد (Turner, 1968: 65).

۱۰) دژ شلمانصر سوم در نمرود

در گوشه جنوب شرقی شهر نمرود، شلمانصر سوم (۸۲۴-۸۵۸ ق.م.) دژ وسیعی به ابعاد ۲۵۰×۳۵۰ متر بنا کرد که امروزه بنام دژ شلمانصر شناخته می‌شود (Oates, 1962a; 1962b; 1963). اسارحدون این دژ را اکل مشرتی به معنی زرادخانه نام گذارد. دژ شلمانصر در حدود دویست اتاق را در برمی‌گرفت که در پنج گروه تقسیم می‌شدند. در بخش شمال قسمت‌های نظامی و اداری، در جنوب یک کاخ با تالار تخت و بخش گنجینه و در جنوب غرب یک منطقه بزرگ مسکونی قرار داشت (مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۵۸). بخش مسکونی اکل مشرتی شباهت زیادی با کاخ شمال غربی نمرود نشان می‌دهد.

این بخش دارای دو حیاط بیرونی یا بابانو و حیاط درونی یا بیتانو است که بواسطه تالار بزرگی (I) به یکدیگر ارتباط می‌یابند. این تالار بزرگ همان تالار تخت است (پلان ۱۰). این تالار دارای ۴۲/۱۰ متر طول و ۹/۸۰ متر عرض است. دو درگاهی در دوسوی تالار مستقیماً به صحن جنوب شرقی باز می‌شود و یک در نیز تالار را به فضای کفش کن در جنوب مرتبط می‌سازد. این فضا با یک ورودی یادمانی به صحن ۲ راه می‌یابد و یک ورودی کوچکتر ارتباط آن فضا را با اتاقی کوچک در غرب میسر می‌ساخته که در همان ادوار باستان مسدود شده است. ضخامت دیوارهای تالار تخت (۴/۴ تا ۴/۸ متر)، نشاندهنده ارتفاع بیشتر دیوارهای تالار تخت نسبت به فضاهای پیرامون تالار است. چه بسا ارتفاع دیوارهای تالار تخت حتی بیشتر از ارتفاع حصار دژ شلمانصر بوده است. چرا که

پذیرفته است (مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۶۰).

۱۱) کاخ شاهی آشور نصیرپال دوم (کاخ شمال غربی نمرود)

کاخ شمال غربی در شهر نمرود در ششمین سال پادشاهی آشور نصیر پال دوم (۸۵۹-۸۸۳ ق.م.) و با بهره‌گیری از معماران آرامی ساخته شد (مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۳۷). برای نخستین بار بقایای این کاخ توسط هنری لایارد در سال ۱۸۴۵ مورد حفاری باستان‌شناسی قرار گرفت (Layard, 1858: 42, Plan 2). لایارد تنها بخش مرکزی کاخ شمال غربی را کاوش کرد و کاوش‌های ملوان در سال‌های دهه ۱۹۵۰ تصویر روشن‌تری از پلان کلی کاخ ارائه داد (Mallowan, 1952a: 6 ff, Fig. 1; Mallowan, 1958: 101-108, Pl. 13).

به استناد پلانی که نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی لایارد و ملوان را یکجا نشان می‌دهد، کاخ شمال غربی علاوه بر یک حیاط بزرگ درونی (حیاط Y) دارای چندین گروه اتاق است که هر گروه پیرامون یک حیاط چهارگوش گرد آمده‌اند (پلان ۱۱). در مجموعه کاخ شمال غربی نمرود، یک حیاط مرکزی وجود دارد که در چهار طرف آن اتاق‌هایی در دو ردیف تعبیه شده‌اند. ابعاد این اتاق‌ها با یکدیگر متفاوت است. در شمال حیاط درونی، حیاط بزرگتری قرار دارد که پیرامون آن را نیز اتاق‌هایی فرا گرفته‌اند و در جنوب آن یک حیاط کوچک و بخش مسکونی و خانگی مجموعه قرار گرفته است. بقایای بجا مانده از این کاخ نشان می‌دهد که نقشه آن در سال‌های بعد الگوی اصلی کاخ‌های آشور نو قرار گرفته و اساس آن تقسیم کاخ به دو بخش اصلی، یکی حیاط بیرونی و فضاهای پیرامون آن به نام بابانو، و دیگری حیاط درونی و اتاق‌های نشیمن و تالار پذیرایی پیرامون آن به نام بیتانو می‌باشد (مجید زاده، ۱۳۸۰: ۱۸۳؛ مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۳۸).

تالار پذیرایی که عنصری از بخش بیتانوی کاخ را تشکیل می‌دهد، پیوند دهنده دو بخش بیتانو و بابانو محسوب می‌شود.

۱- ملارد در مقاله‌ای به تأثیر فرهنگ و زبان آرامی‌ها بر آشوری‌ها می‌پردازد (بنگرید به Millard, 1983).

این تالار که در نقشه ارائه شده توسط لایارد و ملوان با حرف B نامگذاری شده است، بزرگترین اتاق کل مجموعه به شمار می‌رود. اتاق B دارای ۴۵/۵ متر طول و ۱۰/۵ متر عرض می‌باشد و دسترسی به آن از حیاط بیرونی از طریق دو در امکان پذیر بوده است. یکی از درها در انتهای غربی و دیگری در انتهای شرقی تالار قرار دارد. در منتهی الیه شرق این تالار یک سکوی سنگی دو پله‌ای به منظور جلوس شاه ساخته شده است. در پشت در غربی تالار اتاقکی وجود دارد که از آن پله‌ای به ایوان یا طبقه بالا منتهی می‌شده است. در شرق دیوار جنوبی تالار تخت، تالاری کوچکتر (F) قرار گرفته که دیوارهای آن با موجودات بالدار الهی-اساطیری در دو سوی درخت مقدس تزئین شده است. این تالار به عنوان هشتی بزرگی میان تالار تخت و حیاط اندرونی عمل می‌کرد.

تمامی دیوارهای تالار B با نقوش برجسته سنگی به ارتفاع ۲/۶۶ متر تزئین می‌شده است. نگاهی از درهای ورودی تالار تخت که در آن پادشاه آشوری در مراسم بزرگ ملی و مذهبی و جشن‌ها و ضیافت‌ها شرکت می‌جست، موجودات خیالی ترکیبی و جادویی برعهده داشتند. آنها ترکیبی بودند از شیرها، نرگاوها، انسان‌ها و پرندگان گوشتخوار. بخشی از بدن این موجودات ترکیبی به صورت نقش برجسته کار شده بود که دوسوی درگاهی درهای ورودی را تزئین می‌کرد و بخش دیگر به شکل پیکره آزاد از سطح دیوار بیرون آمده بود (Budge, 1914: Pls. 5 & 6; Hall, 1928: 36, Pl. 19; Mallowan, 1956: Pl. 1; Strommenger & Hirmer, 1964: Pls. 198-201). استفاده از قطعات عظیم نقش برجسته در ساختار معماری که از آن با عنوان معماری پیکر تراشی یاد می‌شود به همراه ایوان ستوندار و نقشه بنای کاخ آشور جدید (تالار تخت که بابانو و بیتانو را به هم وصل می‌کند) احتمالاً توسط آرامی‌های شمال بین‌النهرین و شمال سوریه به گفتمان معماری آشور جدید راه یافت (مورتگات، ۱۳۷۷: ۴۵).

نقش برجسته‌های تالار B عمدتاً اجرای مراسم مذهبی را توسط پادشاه نمایش می‌دهد. در چند قطعه از این نقش برجسته‌ها آثار رنگ‌شناسایی شده است (مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۴۵). ملوان نیز در حفاری‌هایی که در نینوا انجام داد به قطعات

سربند بوده شناسایی شد. این پیکره که حامل شمشیری است، دست راست خود را جلو گرفته و دست چپش در پشت بدن مخفی است. این تصویر، به احتمال زیاد یک منصب دار آشوری را نمایش می‌دهد که اسیران را به حضور پادشاه می‌رساند. رزت‌ها با رنگ‌های سفید و قرمز بر روی زمینه آبی نقش شده اند (Abu es- Soof, 1963: 67).

به نظر می‌رسد کاخ شمال غربی پس از شمشی-داد پنجم (۸۱۰-۸۲۴ ق.م.) متروک شده و سارگن دوم بار دیگر از آن استفاده کرده باشد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

بحث

تالار تخت، اصلی‌ترین و مهم‌ترین فضای کاخ‌های آشور نو محسوب می‌شود که از یک سو به حیاط بیرونی (بابانو) و از سوی دیگر به حیاط اندرونی (بیتانو) و یا به تراسی مرتفع راه داشته است. در موارد مورد مطالعه می‌توان دو نوع تالار تخت را از هم تفکیک کرد. یکی تالارهایی که به همراه فضایی که شاید بتوان یک کفش کن بزرگ تصور کرد مفصل ارتباطی بابانو و بیتانو را تشکیل می‌دهد و دیگری تالارهایی که در فاصله صحن بیرونی و تراسی مرتفع قرار می‌گیرد که به باره می‌پیوندد. نوع اول در کاخ‌های حکومتی و نوع دوم در زرادخانه‌ها (دژ شلمانصر سوم در نمرود و کاخ F در خورس آباد) شناسایی شده است.

کارکرد اصلی تالار تخت تأمین مکانی برای جلوس پادشاه یا انجمن بزرگان بود تا مراجعه کنندگان را به حضور بپذیرند و به امور دولتی یا کارهای متفرقه رسیدگی نمایند. مکان این تالار در مجموعه کاخ به نحوی انتخاب می‌شد که تالار از صحن بیرونی، مستقیماً در دسترس بوده و با قرار گرفتن در حدفاصل صحن بیرونی (بابانو) و مرکزی (بیتانو)، رفت و آمد را کنترل کرده و بدین ترتیب محافظی برای بخش خصوصی کاخ فراهم آورد.

بر اساس پلان کاخ‌های مورد مطالعه در این مقاله، فضای تالار تخت در کاخ‌های آشور نو به موازات ضلعی از صحن که ورودی تالار به آن باز می‌شد ساخته می‌شد. در بیشتر موارد، تالار در راستای شمال غرب- جنوب شرق احداث شده و بدین

زیادی از نقش برجسته‌هایی برخوردار کرد که رنگ آمیزی شده بودند (Mallowan, 1952b: Pl. 31). تمامی ارتفاع تخته سنگ انتهای تالار را نقش برجسته‌ای پر می‌کند که سه بار بلند تر از نقش انسان‌ها در دیگر صحنه‌هاست. نقش پادشاه قرینه وار در سوی یک درخت مقدس نشان داده شده است (Budge, 1914: Pls. 11, 46). در بخش مرکزی این نقش برجسته یک درخت به شکل مسبک حجاری شده است. در دو سوی درخت و رو به آن پادشاه آشوری قرینه وار دو مرتبه ظاهر شده است. تمامی صحنه را دو موجود افسانه‌ای بالدار در میان گرفته اند. این موجودات به جای چهره انسانی سر عقاب دارند. صحنه درخت زندگی و پادشاه نه تنها در تالار تخت بلکه در همه اتاق‌های پیرامون حیاط Y تکرار شده است.

افزون بر صحنه‌های اساطیری چندین تخته سنگ در گوشه‌های جنوب شرق و جنوب غرب تالار تخت به گزارش‌های تصویری از شرکت آشور نصیر پال دوم در صحنه‌های جنگ و شکار اختصاص یافته است (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۹-۱۸۸). در یک صحنه اسرایی نقش شده اند که پس از پایان جنگ، به حضور آشور نصیر پال دوم آورده می‌شوند (Budge, 1914: Pl. 20; Frankfort, 1954: Pl. 88; Strommenger & Hirmer, 1964: Pl. 204). در صحنه‌ای دیگر پادشاه سوار بر اسب یک بار به شکار نرگاو وحشی و بار دیگر به شکار شیر پرداخته است. در صحنه گسترده‌ای از یک جنگ در تالار تخت، محاصره و تسخیر یک شهر برج و بارودار نمایش داده شده است. در این صحنه موضوعاتی چون حرکت نیروهای نظامی آشوری، کشتن، به بند کشیدن دشمنان و سوزاندن به نمایش درآمده است (Budge, 1914: Pl. 17; Frankfort, 1954: Pls. 84, 86; Barnett, 1960: Pls. 11, 24; Strommenger & Hirmer, 1964: Pl. 206).

در کاوش‌هایی که اداره عتیقات عراق طی سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ در کاخ آشور نصیر پال انجام داد، قطعات زیادی از اندود گچ دارای نقاشی از بخش مرکزی تالار تخت بدست آمد. در این نقاشی‌ها که احتمالاً بخش فوقانی دیوارها را تزئین می‌کرده اند، رنگ آبی به صورت گسترده‌ای استفاده شده است. بر روی قطعه‌ای از این نقاشی‌ها، نقش چند رزت و پیکره‌ای که دارای

و در دو طرف ورودی مرکزی دو برج پیش آمده وجود داشته که حد نهایی پیش آمدگی برج‌ها با حد نهایی عرض شالوده سنگی (۹ متر) انطباق می‌یافت. عرض زیاد جزئیات دو طرف ورودی، فضای مناسبی برای اجرای پیکره سازی‌های باشکوهی نظیر ورودی‌های کاخ سارگن دوم فراهم می‌کرد. بخشی از دیوار جانبی غربی ورودی مرکزی توسط ملوان کشف شد (Mallowan, 1966: Plan III). شاهد دیگر برای این بازسازی سازه‌ای سنگی است که در تالار B و در مجاورت مرکز دیوار شمالی کشف گردید (Abu es-Sooif, 1963: Pl. I Photo II). این سازه شامل یک تخته سنگ نیم دایره شیاردار مربوط به پاشنه در می‌باشد و به احتمال زیاد بخشی از درگاه ورودی را تشکیل می‌داده است. عدم وجود هرگونه آثاری مربوط به پیکره سازی و نقش برجسته در این نقطه که احتمالاً روزگاری ورودی مرکزی تالار B را مزین می‌کرده است، این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که اگر چنین سازه‌ای وجود داشته در همان ادوار باستان و شاید توسط اسارحدون به منظور تزئین کاخ جدیدش به جنوب غرب سایت منتقل شده است (Turner, 1970: 184).

کاوشگران در هنگام خاکبرداری تالار تخت دژ شلمانصر دریافتند که ۶ متر از ارتفاع دیوارهای این فضا در زیر خاک مدفون است. از اینرو به منظور پرهیز از صرف هزینه بی مورد، تنها به خواناسازی مسیر دیوارها در سطح زمین اکتفا کرده و فقط در منتهی الیه شمال شرق تالار، جایی که سکوی سنگی واقع بود، کاوش را تا رسیدن به کف فضا ادامه دادند. در نتیجه، آثار دو ورودی جانبی کشف شد. اما با وجود آنکه یک ترانشه پیشرو تا سطح کف صحن حفر شد، نشانه‌ای از ورودی مرکزی بدست نیامد. این در حالی بود که ورودی سه گانه برای دو تالار کوچکتر این ساختمان یعنی اتاق‌های T25 و T27 شناسایی شد. با شناسایی دو ورودی برای تالار اصلی و سه ورودی برای تالارهای فرعی تر، بعید و نامعقول به نظر می‌رسید که برای تالار تخت سبک معماری نازل تری پیروی شده باشد. بازسازی یک ورودی مرکزی برای این تالار بدون وجود شواهد باستان شناختی امکان پذیر نیست. شاید وجود دیوار بیرونی بیش از حد عریض را بتوان دلیلی برای پوشاندن دو برج جانبی ورودی

ترتیب از تابش آفتاب تابستانی در امان بوده است (پلان ۱۲). ورودی تالارهای تخت از سمت صحن بیرونی گاه بواسطه یک درگاهی، گاه از طریق سه ورودی و در دو مورد توسط دو در صورت می‌گرفت. در کاخ‌های کوچکتر، همانند کاخ ارسلان تاش، ساختمان‌های J و Z خورس آباد و احتمالاً در کاخ حصار شهر نمرود، تالار تخت بواسطه یک ورودی با صحن بیرونی ارتباط می‌یافت. اما در کاخ‌های بزرگتر، ورودی سه گانه‌ای ارتباط تالار را با صحن فراهم می‌کرد. در این تالارها، دو ورودی کوچکتر در دو جانب یک ورودی بزرگ قرار داشت که این ورودی مرکزی در کاخ‌های مهم تر با دو برج جانبی محاط می‌شد. در دو کاخ مربوط به قرن نهم قبل از میلاد، یعنی کاخ شمال غربی و دژ شلمانصر در نمرود، دو ورودی شناسایی شده است که تالار تخت را به صحن بیرونی مرتبط می‌سازد. هر یک از این دو ورودی در دو منتهی الیه نمای بیرونی تالار قرار می‌گیرند. وجود دو ورودی در دو انتهای تالار، شکل ناشیانه‌ای از جابجایی ورودی‌ها را در یک فضای اشرافی به نمایش می‌گذارد و همین نکته باعث تردید باستان شناسان در شکل و تعداد واقعی چنین ورودی‌هایی شده است. لایارد، در دیوار شمالی تالار تخت کاخ شمال غربی و در دو طرف ورودی‌ها و در مجاورت نمای ورودی بیرونی آثاری از دیوارهای مستقیم کشف کرد که در همان ادوار باستان تخریب و برچیده شده بودند (Layard, 1858: Plan III). با بررسی‌ها و کاوش‌هایی که دپارتمان آثار باستانی، یکصد سال بعد از لایارد انجام داد مشخص شد که این دیوارها می‌تواند سازه‌هایی مربوط به ورودی مرکزی باشد. در اظهار نظرات مقدماتی، این شالوده‌های سنگی به عنوان بخشی از سنگ فرش معرفی شد و در پلان ارائه شده توسط محمود عیناشی به شکل سنگ فرشی که در مجاورت نما و در حد فاصل پشتبند دیوارها گسترده شده بود، بازسازی شد (Ainachi, 1956: Plan 2). اما همانگونه که هنوز هم قابل مشاهده است و توسط رید هم نگاشته شده (Reade, 1968: n. 2) این آثار مربوط به شالوده دیواری است که در میانه دارای وقفه‌ای ۹/۵ متری بوده است. در این فضای خالی تعداد کمی قطعات سنگ یافت شد و همین امر عیناشی را در بازسازی دچار اشتباه کرد. به نظر می‌رسد، در نمای این تالار

تالار واقع شده است. اما در جاهای دیگر، این سازه در مقابل یکی از دیوارهای طولی و معمولاً در سمت چپ ورودی در حد فاصل ورودی و سکوی سنگی واقع شده است. آندره چنین پیشنهاد کرده که این فرورفتگی‌ها محراب‌هایی آئینی بوده اند و نوشیدنی‌های نذری بر روی سنگ‌های مورد بحث ریخته می‌شده است (Andrae, 1938: 11). اگرچه شباهت‌هایی در محل قرار گیری قطعه سنگ‌های مزبور در ساختمانهای خورس آباد مشاهده می‌شود، اما در مورد جایگاه اصلی این سازه‌ها در دیگر کاخ‌ها به سختی می‌توان اظهار نظر کرد. حفره مرکزی این سازه‌ها می‌توانسته محل تجمع مایعات باشد. اما این نکته که حفره مذکور فاقد سوراخ بوده و با یک کانال باریک در ارتباط بوده این مطلب را می‌رساند که مقدار مایع بسیار کم بوده است. در قطعه یافت شده از اتاق T₁ دژ شلمانصر در نمرود مایع می‌توانسته از طریق مجرای به حفره مرکزی راه یابد و به سوراخ مکعبی شکل پشت حفره نمی‌رسیده است. شاید این سوراخ جایگاهی برای قرار گرفتن شی دیگری فراهم می‌آورده و در مواقعی که نیاز به آن شی نبوده، حفره توسط سرپوشی مسدود می‌شده است. بهرحال، این سازه‌های سنگی نمی‌توانسته برای شستشو یا غسل مورد استفاده قرار گیرد (Thureau-Dangin & Dunand, 1936: 24-25). اما می‌توان گفت که شاید پایه‌ای برای یک ظرف منفذدار فراهم می‌کرده و آن ظرف به پشتیبانی پایه‌ای چوبی یا فلزی بر روی این قطعات سنگی سوار می‌شده است (Thureau-Dangin & Dunand, 1936: 19). مقدار کم آبی که از ظرف تراوش می‌کرده در حفره مرکزی جمع می‌شده و بدین ترتیب براحتی قابل گرد آوری بوده است. با این وجود در هیچ کاوشی، گزارشی از نشانه‌های چنین ظرفی بر روی سنگ‌ها یا در نزدیکی آنها ارائه نشده و تا بدست نیامدن شاهدهی بر فرضیات فوق، کاربرد قطعه سنگ‌های مورد بحث مجهول خواهد ماند (Turner, 1970: 188).

اما مهمترین شاخصی که می‌تواند بیانگر کارکرد تالار تخت در کاخ‌های آشور نو باشد، نقش برجسته‌ها و نقاشی‌هایی است که در بیشتر کاخ‌ها و ساختمان‌های اشرافی این دوره شناسایی شده است. نقوش برجسته علاوه بر اینکه در گاهی‌ها و دیوارها را زینت می‌بخشیده باعث استحکام دیوارها شده و امکان بنای

اصلی تصور کرد. اما تا زمانیکه حفاری باستان‌شناسی این موضوع را ثابت نکرده باید باری بازسازی نمای این تالار به فرضیات و حدسیات بسنده کرد.

علاوه بر عناصر تشکیل دهنده یک فضای معماری، عناصر وابسته به معماری نیز در تحلیل فضایی قابل اهمیت می‌باشند. در اغلب تالارهای تخت کاخ‌های آشور نو، سازه‌هایی سنگی شناسایی شده اند که معرف کارکرد و رفتارهای جاری در فضای مورد مطالعه می‌باشند. سکوی سنگی و محراب سنگی عناصر وابسته به معماری را در فضای تالار تخت کاخ‌های آشور نو تشکیل می‌دهند.

سکوی سنگی در تالار تخت کاخ‌های شمال غربی و دژ شلمانصر در نمرود، کاخ سارگن و کاخ F خورس آباد، کاخ محلی خداتو در ارسلان تاش و نیز در تل برسیپ بدست آمده است. در تمامی این موارد بجز کاخ ارسلان تاش سکوی مذکور در جانب چپ ورودی واقع شده است. بنابر این شاید بتوان موقعیت سکوی شاه نشین را جایگاه استاندارد برای جلوس شاه در اغلب تالار تخت‌های کاخ‌های آشور نو دانست. در کاخ شمال غربی و کاخ سارگن دیوار تالار که در پشت سکو واقع شده دارای فرورفتگی کم عمقی است و در سه کاخ دیگر سکو در یک فرورفتگی که در یک دیوار خشتی دارای اندود ایجاد شده قرار گرفته است.

قطعه سنگی دیگری که در اغلب اتاق‌های پذیرایی کاخ‌های آشور نو یافت شده، به شکل بلوک‌های سنگی است که بر روی کف و درمجاورت یک دیوار تعبیه شده است. در تالار B کاخ شمال غربی نمرود دو قطعه سنگ چهارگوش در نزدیکی هم قرار گرفته اند (Mallowan, 1966: 134). اما در جاهای دیگر تنها یک قطعه سنگ مربع مستطیل وجود دارد. لبه این قطعه سنگ‌ها بالا آورده شده و دارای سطحی با تقعر ملایم می‌باشند که مرکز آنها گود تر شده است (see Turner 1970: n. 53). در نمونه‌های کاخ‌های ارسلان تاش (Thureau-Dangin et al., 1931: 20, 24) و تل برسیپ (Thureau-Dangin & Dunand, 1936: 18-19) شیارهای اریبی نیز به سوی حفره مرکزی نقر شده است. نمونه شناسایی شده در اتاق B کاخ شمالغرب نمرود در کنار سکوی سنگی و درمقابل دیوار انتهایی

تشکیل می‌داده است. پادشاهان آشوری سعی کرده‌اند با نمایش حضور خود در صحنه‌های مذهبی و نظامی بر مشروعیت خویش پای فشارند و پیروی خویش را از سنت‌های حاکم بر فرهنگ سیاسی آن روزگار گوشزد کنند. بدون شک فضای انتخاب شده برای ارائه این نمایش، مهم‌ترین فضای یک مجموعه سلطنتی بود. تالار تخت به عنوان محل سکونت پادشاه می‌توانست بهترین فضا را برای تحقق این منظور فراهم آورد.

یکی از ویژگی‌های شاخص تالار تخت در کاخ‌های آشور نو، مجاورت تالار تخت با فضاهای تعریف شده‌ای است که در اغلب کاخ‌ها شناسایی شده است. فضاهای مجاور تالار تخت عبارتند از ۱- فضایی که در حد فاصل تالار و حیاط اندرونی قرار گرفته و به دلیل عریض بودن ورودی آن و دارا بودن موقعیتی مرکزی می‌تواند به عنوان شاه نشین یا اتاقی برای استراحت پادشاه تلقی گردد؛ ۲- فضای راه پله که در پشت اتاق شاه نشین قرار داشت؛ ۳- اتاقی که در انتهای دیگر تالار به عنوان حمام کاربرد داشته است.

فضای شاه نشین و راه پله در همه کاخ‌های مورد مطالعه، به استثنای کاخ ارسلان تاش در سمت راست تالار تخت و در پشت دیوار مجاور سکوی سنگی قرار گرفته است. دسترسی به اتاق شاه نشین بواسطه ورودی که در مرکز دیوار واقع شده امکان پذیر است. حمام‌هایی که در مجاورت تالار تخت در کاخ‌های ارسلان تاش، کاخ F و ساختمان‌های K و L خورس آباد شناسایی شده‌اند به نظر ملوان، هم برای نظافت و هم به منظور ادای مراسم آئینی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (Mallowan, 1950: 165-166; as cited in Turner, 1970: 193). در بخش سلطنتی کاخ‌های قرن ۹ ق.م. فضای حمام در نظر گرفته نشده است. این فضا نخستین بار در آشور در کاخ خورس آباد و نیز در کاخ سناخریب در نینوا (Layard, 1858: Plan I, Room IV) تعبیه شد. در این دو کاخ، حمام مستقیماً از طریق دری در سمت چپ تخت شاهی با تالار تخت ارتباط دارد.

سقف مرتفع را برای تالارها فراهم می‌کرده‌اند (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۷). از ورودی تالار تخت در کاخ‌های آشور نصیر پال دوم در نمرود، کاخ سارگن دوم و نیز ساختمان F در خورس آباد حیوانات ترکیبی عظیم‌الجثه‌ای محافظت می‌کنند. حیوانات ترکیبی یا لاماسوها، وظیفه جلوگیری از ورود ارواح خبیث و شیطانی به درون کاخ‌ها را برعهده داشتند و ارواح پاک و خوب را پشتیبانی می‌کردند (Budge, 1914: 4-6). صحنه اصلی نقش برجسته‌های تالار تخت دو کاخ آشور نصیر پال دوم و کاخ سارگن دوم نمایشگر حضور پادشاه در کنار درختی است که به شکل مسبک حجاری شده است. این درخت در واقع نماد زندگی فانی است که در زمین ریشه دوانده و از بالا خود را به سوی کهکشان و خورشید می‌کشد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۸؛ مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۴۹). در تعبیری دیگر، درخت زندگی نمایش داده شده در حجاری‌های آشورنو نمادی الهی است که به پادشاه و موجودات آسمانی نیرو و قوت می‌بخشد (Albenda, 1994: 133; see also Roberts, 2006). صحنه درخت زندگی و پادشاه بیانگر اجرای مراسم مذهبی در تالار تخت است که ماهیت اسرار آمیز پادشاه و اعتقاد محکم او را به طور زنده به بیننده نشان می‌دهد (مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۴۸). در کنار صحنه مذهبی، نمایش شخصیت نظامی پادشاه موضوع مرسوم دیگری در حجاری تالارهای تخت کاخ‌های آشور نو به شمار می‌رود. علاوه بر سه کاخ پیش گفته، در تالار تخت اکل مشرتی شلمانصر سوم نیز شاهد نمایش لشکرکشی پادشاه و دریافت باج و خراج توسط وی بر روی حجاری‌های سکوی سنگی این تالار هستیم. در نقش برجسته تالار تخت کاخ آشور نصیر پال و کاخ سارگن، پادشاه در لباس نظامی به شکار و غلبه بر جانوران درنده می‌پردازد. شخصیت نظامی و مقتدر پادشاه در نقاشی‌های تالار تخت کاخ آشور نصیر پال دوم در نمرود به نمایش درآمده است. به نظر می‌رسد نقاشی، روشی کم هزینه تر برای تزئین دیوار کاخ‌ها و ساختمان‌های اشرافی کوچکتر محسوب می‌شده است. استفاده از نقاشی را در کاخ محلی خداتو در ارسلان تاش، ساختمان K و ساختمان L در خورس آباد شاهدیم. مذهب و اقتدار، درون‌مایه نقوش تالار تخت کاخ‌های آشورنو، دو ویژگی اساسی حکومت‌های آشور نو را

۲- برای مطالعه توضیحات بیشتر درباره فضای راه پله در کاخ‌های آشوری رک.

بر آیند

سه عامل فرم، کارکرد و فضا، عناصر بنیادین تحلیل فضایی را تشکیل می‌دهند (Markus, 1999: 30-31). فرم از عملکرد تبعیت می‌کند (آلسوپ، ۱۳۷۱: ۵۹) و به مثابه هویت عینی و حجمی یک سازه معماری شامل عینیات و ملموسات می‌شود. این عامل در تالار تخت کاخ‌های آشورنو به روشنی هویت فضا را بر می‌تاباند. ورودی‌های یادمانی، جرزهای عریض، سقف مرتفع و ابعاد چشمگیر تالارهای تخت، بیانگر هویت شاهانه این فضاهاست. مشخصات فرم تالارهای تخت و صحنه‌های نمایش داده شده در نقوش برجسته و نقاشی‌های دیواری، کارکرد تالارهای تخت را به منزله سکونتگاه پادشاه آشوری روایت می‌کنند. وجود سازه‌هایی همچون سکوی سنگی شاه نشین و محراب‌های سنگی آیینی در تالارهای تخت بر تعلق این فضاها به پادشاه و پیوستگی قدرت سیاسی با اعتقادات مذهبی در دوران آشور نو تأکید می‌کنند. بدون شک، اقتدار و خودکامگی از صفات بارز پادشاهان آشور نو بوده است. بازتاب این خصلت در صحنه‌های جنگ و شکار نقوش برجسته کاخ‌های آشور نو بوضوح قابل درک است. مرکزیت فضایی تالار تخت و مجاورت آن با فضاهای جانبی چون شاه نشین و حمام، فضایی در خور شأن پادشاه ایجاد می‌کرد تا پادشاه با حضور در بزرگترین تالار مجموعه کاخ، از یک طرف جایگاه رفیع خود

منابع

الف) فارسی

آلسوپ، بروس، ۱۳۷۱، یک تئوری نوین در معماری، ترجمه پرویز ورزی، تهران، انتشارات کتاب سرا.

باستید، روژه، ۱۳۷۴، هنر و جامعه، ترجمه غفار حسینی، تهران، نشر توس.

بنه ولو، لئوناردو، ۱۳۸۱، مقدمه ای بر تاریخ سبک‌های معماری، ترجمه سعید تیز قلم زنوزی، تهران، انتشارات گپ.

را به رخ کشد و از طرف دیگر محوریت خویش را با جلوس در فضای مرکزی بر کاخ نشینان القاء نماید.

نوع خاص سازمان فضایی کاخ‌های آشور نو و فرم تعریف شده تالار تخت در آنها، بیانگر رواج سبک معماری ویژه‌ای در دوره آشور نو است. سبک‌های معماری در یک دوره زمانی و بستر مکانی خاص در تطابق با ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی مردم شکل می‌گیرند. از آنجا که یک سبک معماری ریشه در مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، توده مردم دارد، دگرگونی‌های عمده سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌توانند سبک‌ها را تغییر دهند (آلسوپ، ۱۳۷۱: ۱۱۷). تحولات در معماری همیشه متناسب با تحولاتی است که در جوامع رخ می‌دهد. در واقع نظام‌های سیاسی-اجتماعی نوع روابط زندگی شهری را تعیین می‌کنند و معماری، فضاهای متناسب با آن را شکل می‌دهد (بنه ولو، ۱۳۸۱: ۲-۱). یک سبک معماری در صورتی می‌تواند در کشمکش با انواع دیگر مقاومت کند و استمرار یابد که شرایط محیطی ثابت بماند. در عوض اگر، به عنوان مثال، شرایط زندگی اقتصادی تغییر کند یا تصورات دینی از جهان دگرگون شود، سبک جاری هنر نیز محکوم به نابودی است (باستید، ۱۳۷۴: ۲۱۹). بنا بر این، تداوم سبک معماری شاخص دوره آشور نو در کاخ‌های این دوره نشان دهنده استمرار سازمان‌های اجتماعی و در رأس آن نظام سیاسی بین‌النهرین در بیش از دو قرن است.

چرمایف، سرج و الکساندر، کریستفر، ۱۳۷۶، عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی: به جانب یک معماری انسانی (چاپ سوم)، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۰، تاریخ و تمدن بین‌النهرین: جلد سوم: هنر و معماری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

مورنگات، آنتون، ۱۳۷۷، هنر بین‌النهرین باستان: هنر کلاسیک خاور نزدیک، ترجمه زهرا باستی و محمد رحیم صراف، تهران، انتشارات سمت.

- Abu es-Soof, B., 1963, Further Investigation in Assur-Nasir-Pal's Palace, *Sumer*, Vol. 19, pp. 66-68.
- Ainachi, M. A., 1956, Archaeological Restoration in Northern Iraq, *Sumer*, Vol. 12, pp. 124-132.
- Albenda, P., 1994, Assyrian Sacred Tress in the Brooklyn Museum, *Iraq*, Vol. 56, pp. 123-134.
- Andrae, W., 1938, *Das wiedererstandene Assur*, Leipzig, J.C. Hinrichs.
- Barnett, R. D., 1960, *Assyrian Palace Reliefs and Their Influence on the Sculptures of Babylonian and Persia*, London, Batchworth Press Limited.
- , 1975, *Assyria Sculpture in the British Museum*, Toronto, McClelland & Stewart Limited.
- & M. Falkner, 1962, *The Sculptures of Ashur-nasir-apli II (883-859 BC), Tiglath-pileser III (745-727 BC), Esarhaddon (681-669 BC) from the Central and South-West Palaces at Nimrud*, London, The Trustees of the British Museum.
- Budge, E. A. W., 1914, *Assyrian Sculptures in the British Museum: Reign of Asurnasir-pal, 885-860 B.C.*, London, Trustees of the British Museum.
- Dijk, J. V., 1992, The Authenticity of the Arslan Tash Amulets, *Iraq*, Vol. 54, pp. 65-68.
- Frankfort, H., 1954, *The Art and Architecture of the Ancient Orient*, Harmondsworth, Penguin.
- Hall, H. R., 1928, *Babylonian and Assyrian Sculptures in British Museum*, Paris & Brussels, G. van Oest.
- Hulin, P., 1963, The Inscriptions on the Carved Throne-Base of Shalmaneser III, *Iraq*, Vol. 25, pp. 48-69.
- Roberts, J., 2006, Centering the World: Trees as Tribute in the Ancient Near East, *Transoxiana*, Vol. 11, http://www.transoxiana.com.ar/11/roberts-near_east_trees.html
- Lampugnani, V. M., (ed.), 1986, *Encyclopedia of 20th Century Architecture*, New York, Harry N. Adams Inc.
- Layard, A. H., 1858, *Nineveh and its Remains*, New York, Appleton.
- , 1894, *Nineveh and Babylon: A Narrative of a Second Expedition to Assyria during the Years 1849, 1850, amp 1851*, London, Adamant Media Corporation.
- Loud, G. & Altman, Ch. B., 1938, *Khorsabad 2: The citadel and the Town*, Chicago, The University of Chicago Press.
- Mallowan, M. L., 1950, The Excavation at Nimrud (Kalhu) 1949-1950, *Iraq*, Vol.12, pp. 147-183.
- , 1952_a, *Annals of Archaeology and Anthropology*, Vol. 18, Liverpool, University of Liverpool.
- , 1952_b, The Excavation at Nimrud (Kalhu) 1951, *Iraq*, Vol. 14, pp. 1-23.
- , 1956, The Excavation at Nimrud (Kalhu) 1955, *Iraq*, Vol.18, pp. 1-21.
- , 1957, The Excavation at Nimrud (Kalhu) 1956, *Iraq*, Vol. 19, pp. 1-25.
- , 1958, The Excavation at Nimrud (Kalhu) 1957, *Iraq*, Vol. 20, pp. 101-108.
- , 1966, *Nimrud and its Remains*, London, Collins.
- Millard, A. R., 1983, Assyrians & Arameans, *Iraq*, Vol. 65, pp. 101-108.
- Oates, D., 1962_a, *Fort Shalmaneser*, Part 1, ILN, Nov. 24, pp. 834-837.
- , 1962_b, *Fort Shalmaneser*, Part 2, ILN, Dec. 1, pp. 879-881.
- , 1963, The Excavation at Nimrud (Kalahu), 1962, *Iraq*, Vol. 25, pp. 6-37.

Parrot, A., 1946, *Archeologie Mesopotamienne I*, Paris, Michel

—————, 1961, *Assyria (Art of Mankind)*, London, Thames & Hudson.

Reade, J. E., 1999, *Assyrian Sculpture*, 2nd ed., Harvard, Harvard University Press.

————— & Curtis, J. E., 1995, *Art and Empire: Treasures from Assyria in the British Museum*, New York, Metropolitan Museum of Art and Harry N. Abrams, Inc.

—————, 1968, The Palace of Tiglath-Pileser III, *Iraq*, Vol. 30, pp. 69-73.

Strommenger, E. & Hirmer, M., 1964, *5000 Years of the Art Mesopotamia*, London, Thames and Hudson

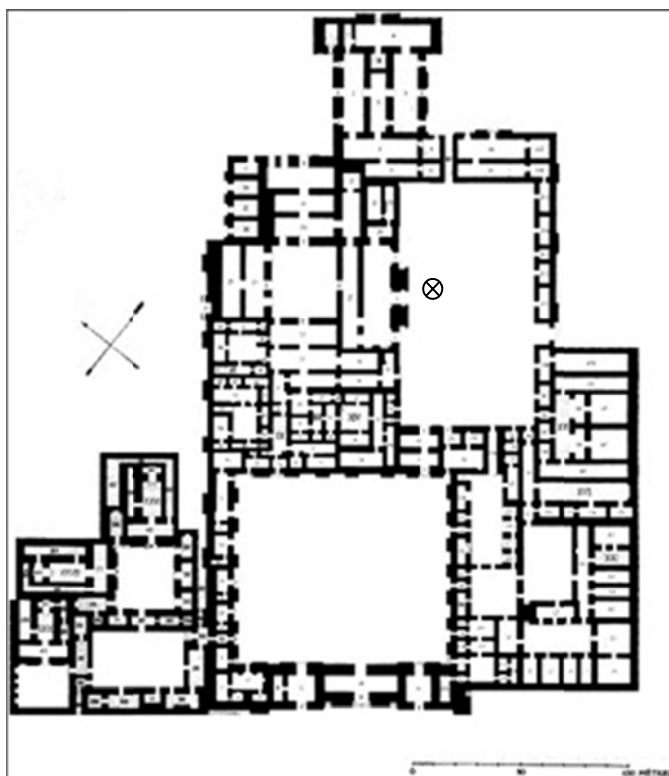
Thureau-Dangin, F., Barrois, B., Dossin, G., & Dunand, M., 1931, *Arslan Tash*, Paris, Haut-Commissariat de la République Française en Syrie et au Liban, Service des Antiquités et des Beaux-Arts, Bibliothèque Archéologique et Historique

————— & Dunand, M., 1936, *Til-Barsib*, Paris, Orientalist.

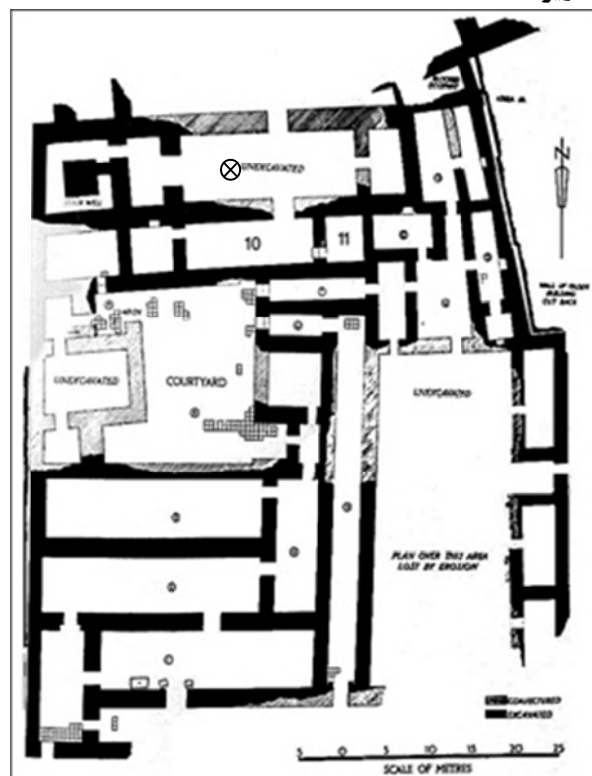
Turner, G., 1968, The Palace and Batiment aux Ivories at Arslan Tash: A Reappraisal, *Iraq*, Vol. 30, pp. 62-68.

Turner, G., 1970, The State Apartment of Late Assyrian Palaces, *Iraq*, Vol. 32, pp. 177-213.

تصاویر

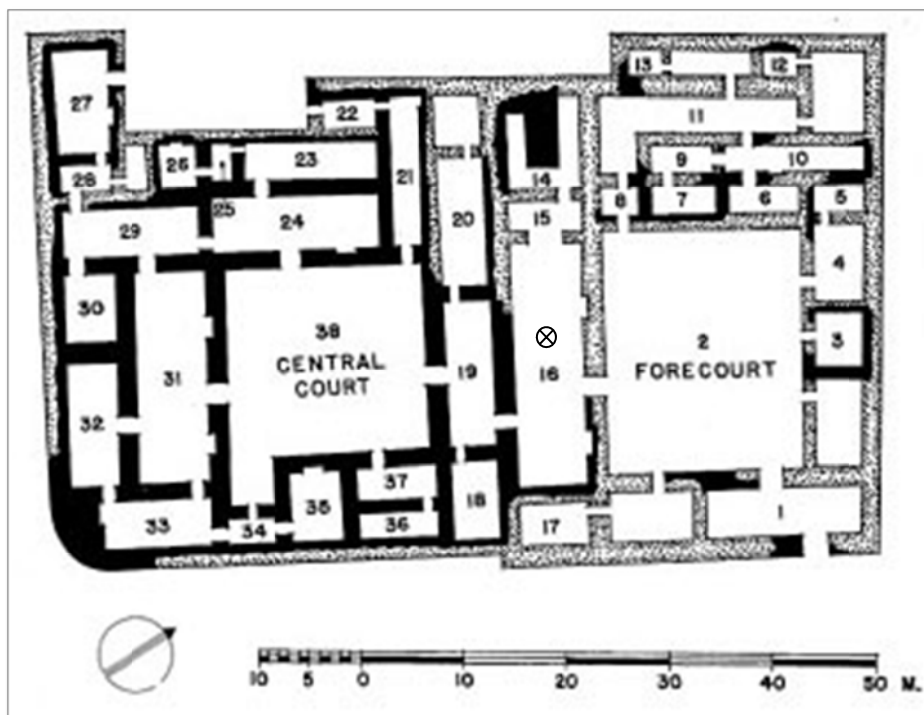


پلان ۲: کاخ سارگن دوم در دور شروکین (Loud & Altman, 1938).

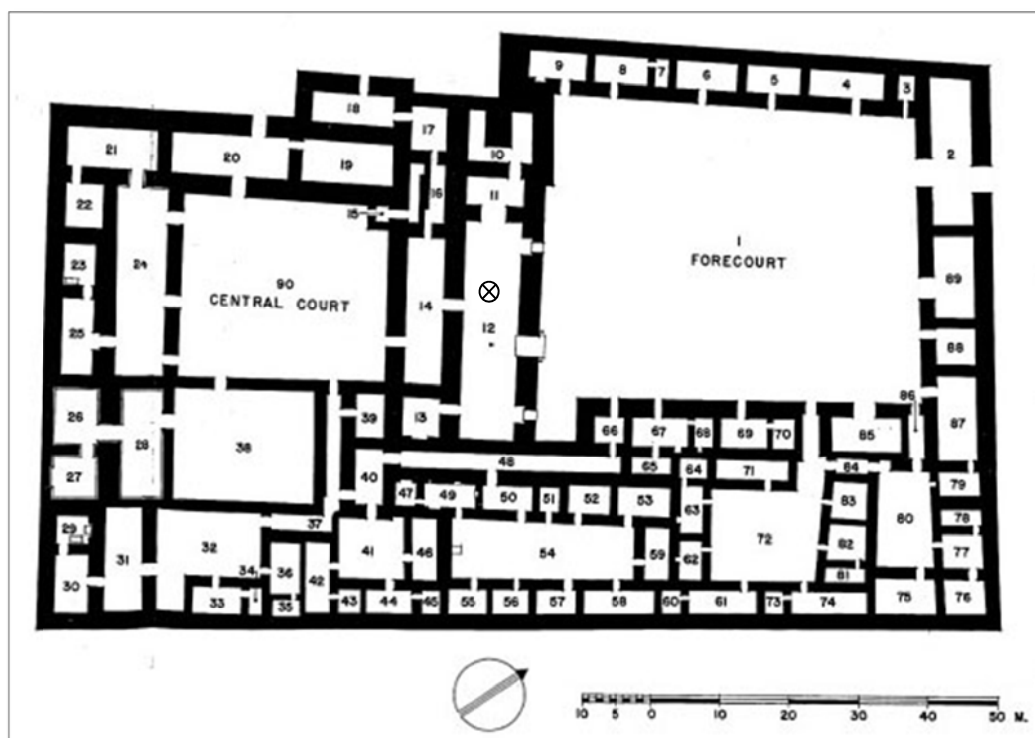


پلان ۱: کاخ حصار شهر (Mallowan, 1957).

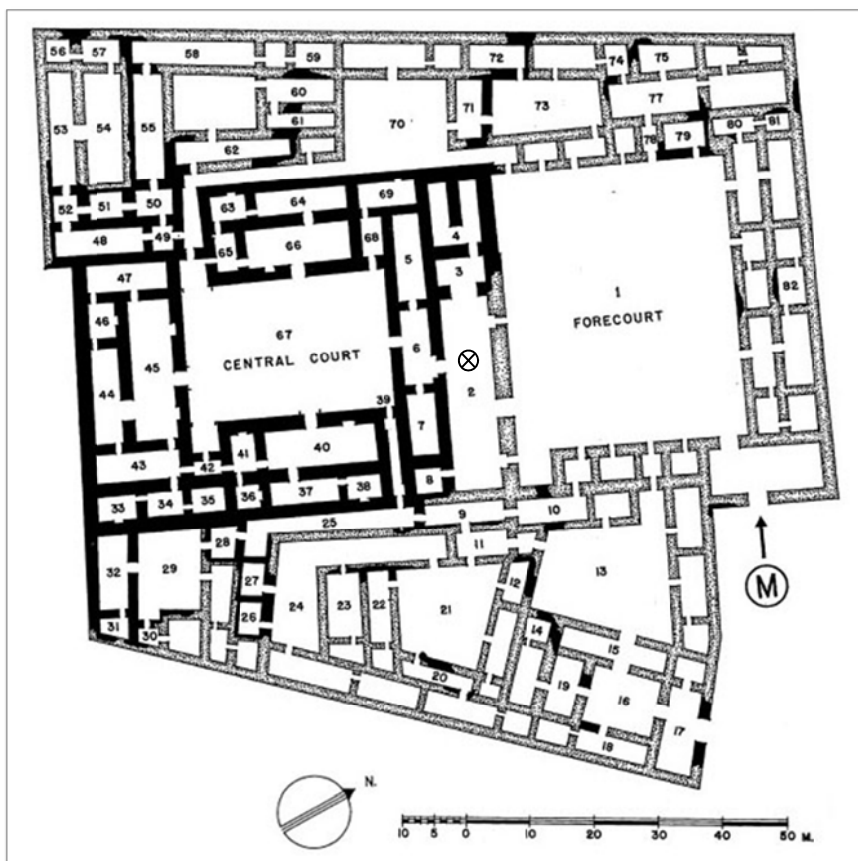
• فضایی که با علامت ⊗ مشخص شده، نمایش دهنده تالار تخت است.



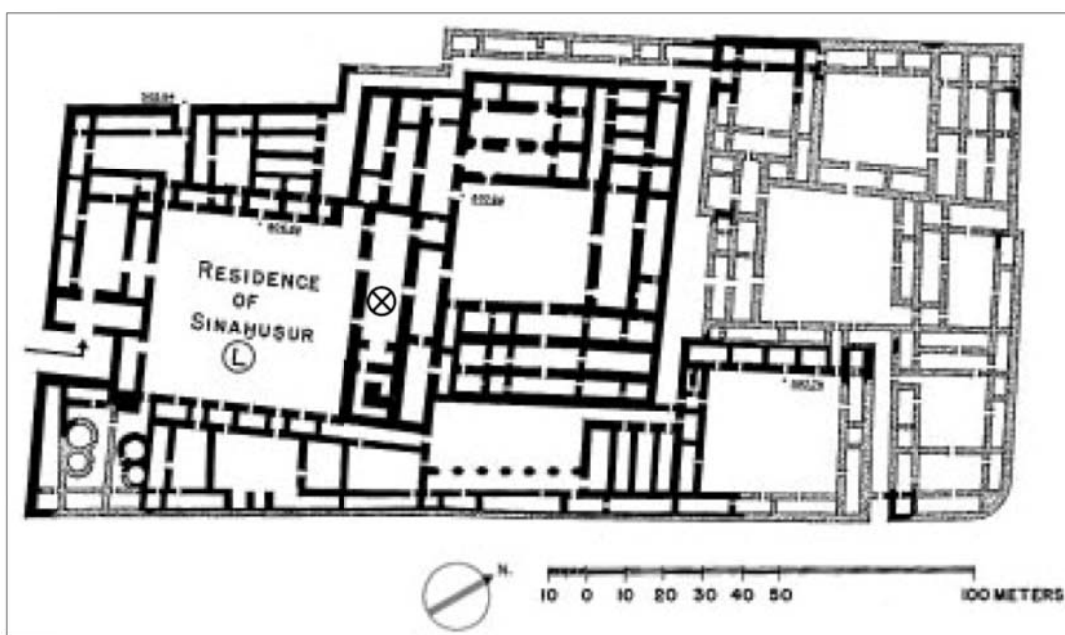
پلان ۳: ساختمان J (Loud & Altman, 1938).



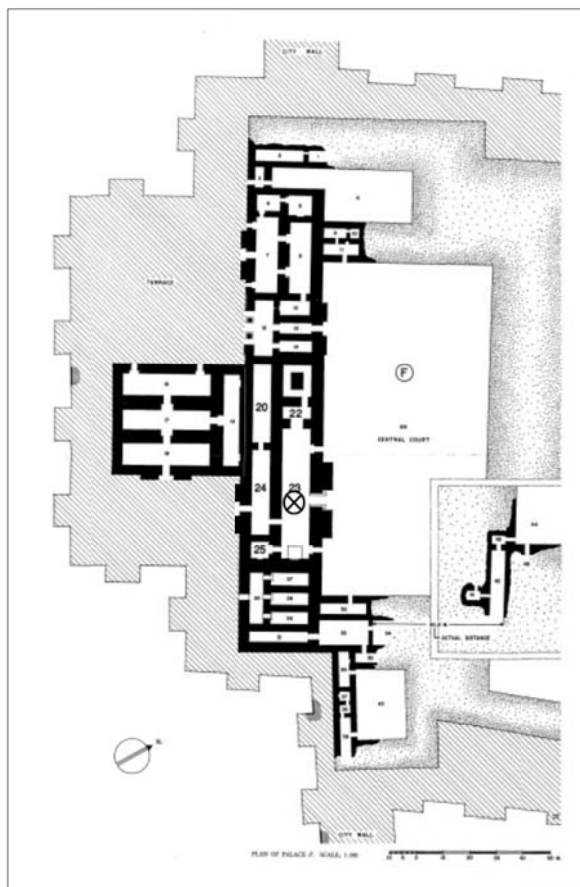
پلان ۴: ساختمان K (Loud & Altman, 1938).



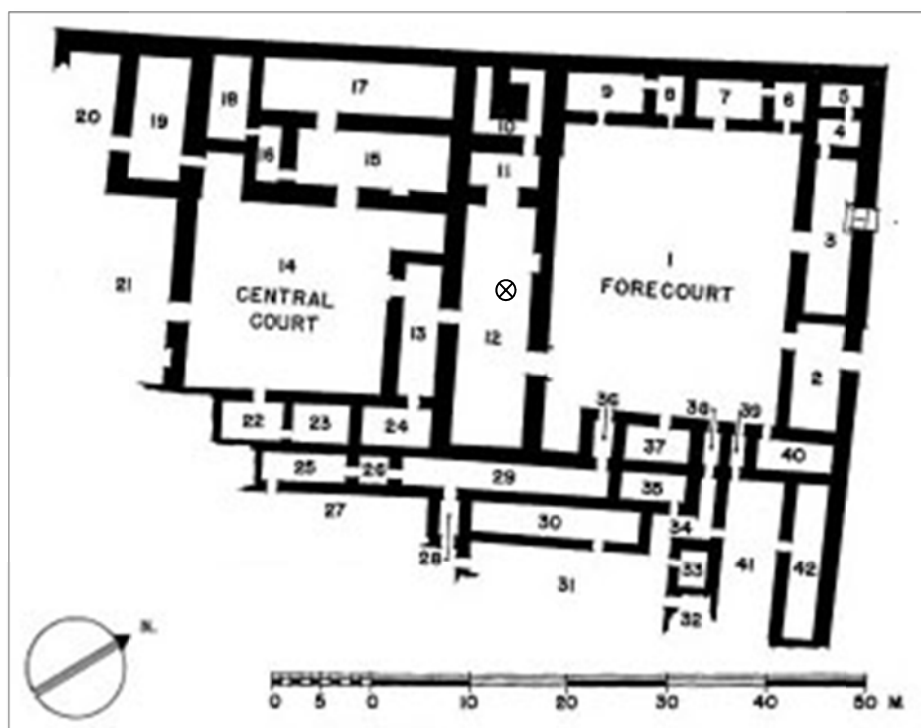
پلان ۵: ساختمان M (Loud & Altman, 1938).



پلان ۶: ساختمان L (Loud & Altman, 1938).



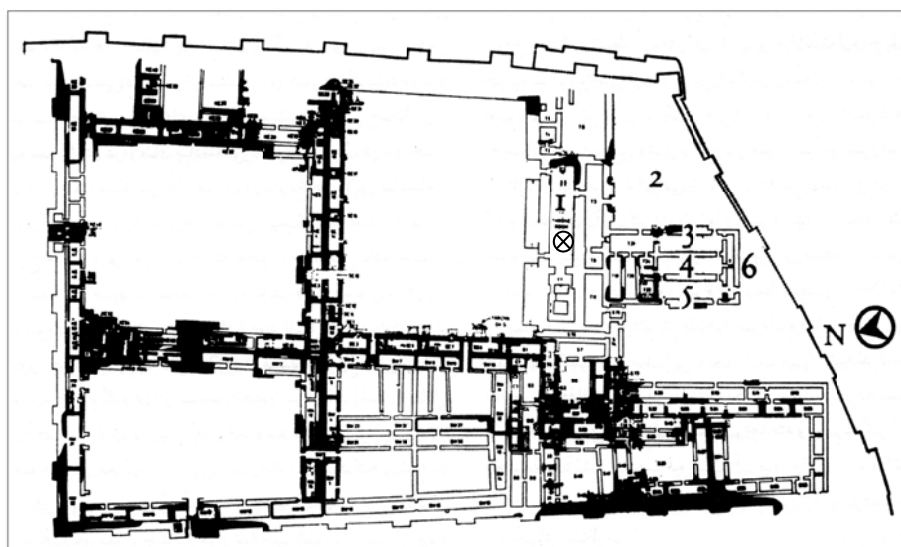
پلان ۷: کاخ F خورس آباد (Loud & Altman, 1938).



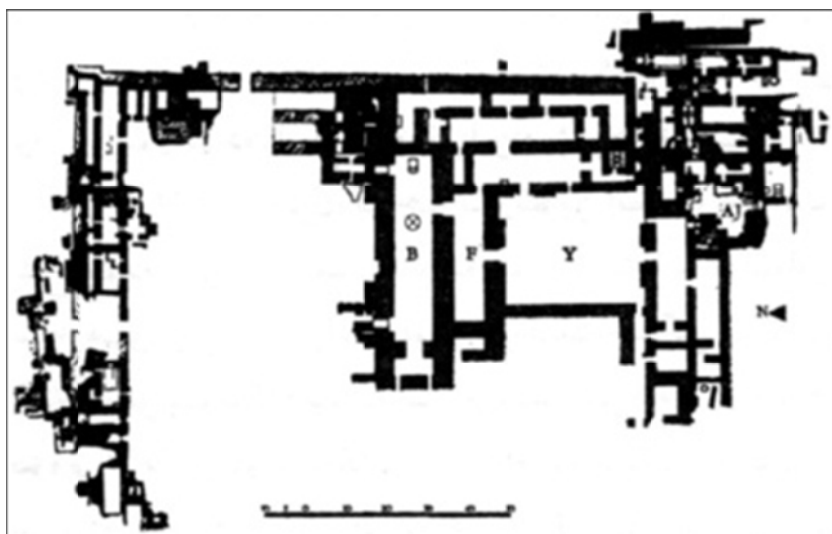
پلان ۸: ساختمان Z خورس آباد (Loud & Altman, 1938)



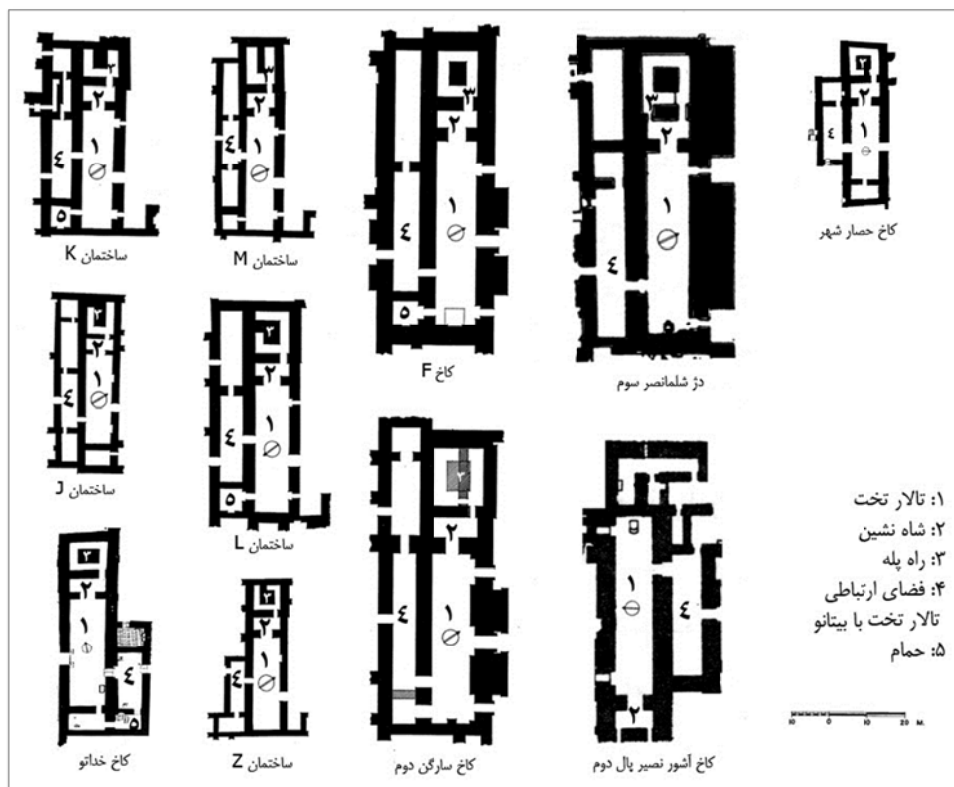
پلان ۹: کاخ محلی خداتو در ارسلان تاش (Thureau-Dangin *et al.*, 1931).



پلان ۱۰: دژ شلمانصر سوم در نمرود (مجیدزاده، ۱۳۸۰)



پلان ۱۱: کاخ آشور نصیر پال دوم در نمرود (مجیدزاده، ۱۳۸۰)



پلان ۱۲: تالار تخت و فضاهای مجاور آن در کاخ‌های دوره آشور نو

نام بنا	دوره احداث (ق. م)	ابعاد تالار تخت (متر)	راستای تالار تخت	تعداد ورودی های تالار به حیاط بابانو	موقعیت سکوی سنگی	نقش برجسته		تزئینات	
						موقعیت	موضوع	موقعیت	نقشی
کاخ حصار شهر	۶۳۱-۶۶۸	۲۰ × ۷/۵	شرقی-غربی	۱	-	-	-	دیوارها (۴)	نقوش هندسی
کاخ سارگن دوم	۷۰۵-۷۲۱	۴۵ × ۱۰	شمال غرب- جنوب شرق	۳	سمت چپ ورودی	طرفین درهای ورودی	لاناسو و پهلوان؛ اجرای مراسم مذهبی توسط پادشاه؛ حضور پادشاه در صحنه غلبه بر دشمنان	-	-
ساختمان J	۷۰۵-۷۲۱	۲۴ × ۶/۸	شمال غرب- جنوب شرق	۱	-	-	-	-	-
ساختمان K	۷۰۵-۷۲۱	۳۲ × ۸	شمال غرب- جنوب شرق	۳	-	طرفین درهای ورودی	نقوش گیاهی و هندسی	دیوارها	موجودات اساطیری و الهی و نرگاوهی رودرود؛ حضور پادشاه و وزیر در درگاه خدا
ساختمان M	۷۰۵-۷۲۲	۳۰ × ۷	شمال غرب- جنوب شرق	۳	-	-	-	-	-
ساختمان L	۷۰۵-۷۲۱	۳۳ × ۹	شمال غرب- جنوب شرق	۳	-	-	-	دیوارها	؟
ساختمان F	۷۰۵-۷۲۱	۴۹ × ۱۰	شمال غرب- جنوب شرق	۳	سمت چپ ورودی	سکوی سنگی طرفین درهای ورودی	صحنه های جنگ گاو بالدار	-	-
ساختمان Z	۷۰۵-۷۲۱	۲۵ × ۷	شمال غرب- جنوب شرق	۱	-	-	-	-	-
کاخ محلی خداتو	۷۲۷-۷۴۵	۲۸ × ۹/۵	شمالی-جنوبی	۱	سمت راست ورودی	-	-	دیوارها	نقوش گیاهی
دژ شلمانصر سوم	۸۲۴-۸۵۸	۴۲/۱ × ۹/۸	شرقی-غربی	۲	سمت چپ ورودی	سکوی سنگی	لشکر کشی؛ پرداخت باج و خراج	-	-
کاخ آشور نصیر پال دوم	۸۵۹-۸۸۳	۴۵/۵ × ۱۰	شرقی-غربی	۲	سمت چپ ورودی	طرفین درهای ورودی	موجودات ترکیبی اجرای مراسم مذهبی توسط پادشاه؛ شرکت پادشاه در صحنه های جنگ و شکار	بخش فوقانی دیوارها	اسرای که به حضور پادشاه آورده می شوند.

جدول ۱- مشخصات تالار تخت در کاخ‌های دوره آشور نو.